

هیاهو برای مشکلات مردم یا اولویت‌های نماینده؟

تضاد میان صدای مردم و اولویت های مجلس

در روزهایی که کشور با فشارهای اقتصادی مواجه است، تصمیماتی که می‌توانند زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار دهند، گاه در مجلس شورای اسلامی با تأخیر یا بی‌توجهی روبرو می‌شوند. حذف چهار صفر از پول ملی و سقوط ارزش آن، که از نگاه تحلیل‌گران می‌توانست یکی از بی‌سابقه‌ترین تحولات اقتصادی کشور باشد، نمونه‌ای از مسائلی است که به رغم اهمیت فراوان، تنها صداهایی محدود از مجلس درباره آن شنیده شد.

شرح در صفحه ۶

سقوط ۲۶۱ درصدی دستمزد کارگران در کمتر از ده سال

حداقل حقوق برای

یک هفته هم کفاف

نمی‌دهد!

صفحه ۶

از این دولت و مجلس انتظار می‌رود کار اساسی انجام دهند

اقتصاد نیازمند

اصلاحات اساسی

است

صفحه ۸

شکست حقوقی ایران در پرونده کرسنت کالبدشکافی شد

نقش پررنگ

سعید جلیلی و

اختلافات داخلی

صفحه ۹

خبر

افشای پول‌بازی گانتس برای سرکوب حامیان فلسطین در غرب

شبکه‌ای پیچیده از مقام‌های صهیونیست، سرمایه‌داران غربی و نهادهای اطلاعاتی خصوصی کوشیده‌اند تا بر افکار عمومی غرب تأثیر گذاشته و جنبش‌های مردمی در دفاع از حقوق فلسطینیان را مختل کنند.

به گزارش ایستا، رسانه آمریکایی در گزارشی تحقیقی از اسنادی افشاشده خبر داده است که نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی در یک طرح مخفیانه قصد داشته یک عملیات دیجیتال برای خرابکاری در فعالیات‌های حامی فلسطین را تأمین مالی کند.

به گزارش نشریه «گریزون»، «بنی گانتس» رئیس پیشین ستاد کل ارتش صهیونیستی در این طرح نقش مرکزی داشته و از گروهی از میلیاردرهای مشهور، از جمله «دیوید ایلسون» و پدرش «لری ایلسون»، درخواست کمک مالی کرده است تا از آنچه در اسناد با عنوان «شبه‌نظامیان دیجیتال» توصیف شده، حمایت مالی کنند.

در این گزارش آمده است که این اطلاعات بر اساس ایمیل‌هایی فاش شده در سال ۲۰۲۴ توسط روزنامه‌نگار «جک پولسون» و منتشر شده از سوی گروه هکری «حنظله» به‌دست آمده است. این ایمیل‌ها جزئیات طرحی موسوم به «بی‌دی‌اس» را نشان می‌دهند؛ طرحی که به ابتکار رژیم صهیونیستی و با هدف جذب حامیان ثروتمند غربی برای تأمین مالی شرکت‌های خصوصی اطلاعاتی طراحی شده بود، از جمله نیروهای سابق دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم اشغالگر. وظیفه این شرکت‌ها نظارت بر شهروندان و گروه‌هایی در ایالات متحده بوده که در جنبش‌های حامی فلسطین، به‌ویژه جنبش «تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و مجازات اسرائیل» موسوم به «بی‌دی‌اس» فعالیت می‌کردند.

به نوشته گری‌زون، از جمله افرادی که برای مشارکت مالی در این طرح مورد خطاب قرار گرفته‌اند، «لری ایلسون» بنیان‌گذار شرکت اوراکل و پسرش «دیوید ایلسون» – مالک کنونی شبکه‌های «پارامونت» و «سی‌بی‌اس نیوز» – بوده‌اند. طبق ایمیل‌های منتشرشده، «آدام پروکوویتز» مدیر اجرایی یک شرکت استعدادهایی در هالیوود، ایلسون جوان را فردی «بسیار علاقه‌مند به کمک در تضعیف جنبش «بی‌دی‌اس» توصیف کرده است.

بروکویتز در یک ایمیل گروهی، ایلسون و گانتس را به هم معرفی کرده و نوشته است: «بنی، با دیدید آشنا شو. دیوید، این بنی است.» ۲ روز بعد، ایلسون در پاسخ نوشت: «آقای گانتس، مایه خوشوقتی است که از طریق ایمیل با شما آشنا شوم. مشتاق گفت‌وگو درباره کارهای شما هستم و پس از بازگشت به لس‌آنجلس منتظر دیدار حضوری در سال جدید خواهم بود.»

گری‌زون گزارش داده است که طرح «۱۲ قبیله» بر اساس برنامه‌ریزی اولیه قرار بود متشکل از ۱۲ فرد فوق‌ثروتمند باشد که هر یک یک میلیون دلار به این پروژه کمک کنند. در سند تبلیغاتی این طرح آمده است که این افراد به عنوان «۱۲ قبیله اسرائیل» شناخته می‌شوند و رژیم صهیونیستی نقش «قبیله سیزدهم» را ایفا می‌کند که بر روند کار نظارت دارد. هدف از این ساختار، به‌ظاهر حفظ استقلال این شبکه از تل‌آویو و در عمل، اجرای مأموریت‌های اطلاعاتی در چارچوب منافع تل‌آویو بوده است. در ادامه گزارش، به نقل از اسناد داخلی «مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل» آمده است که طراحان طرح ۱۲ قبیله این شبکه را یک شبکه غیرمتمرکز توصیف کرده‌اند که دردراساتی منافع رژیم اشغالگر کار می‌کند، اما مجریان پروژه تأکید کرده‌اند که باید ظاهری مستقل از دولت داشته باشد تا تأثیرگذاری آن بیشتر شود. طبق این گزارش، این شرکت‌ها با بهره‌گیری از «تکنولوژی پیشرفته سایبری به عنوان سلاح نرم» به ردیابی و فشار بر افرادی می‌پرداختند که منتقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی بودند.



مزایده سراسری املاک تملیکی

و مزاد برنیز بانک سپه

به شماره ۶/۱۴۰۴/۴۸۳ – (نوبت دوم)

رجوع به صفحه ۱۰



چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۴

۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷

۸ اکتبر ۲۰۲۵

سال بیست‌ویکم

شماره ۶۰۹

۱۲ صفحه

۱۰۰۰۰ تومان

بزرگترین شکست امنیتی تاریخ اسرائیل رقم خورد

هفتم اکتبر

نقطه عطف تاریخ

خاورمیانه

صفحه ۱۱



حماس راهبرد «بله، اما» را در مذاکرات دنبال می‌کند

واکنش معقول وسازنده ایران به «طرح صلح»



به همین نکته دست گذاشته است؛ با توجه به ماهیت مسئولیت دولت‌های درگیر و مجامع بین‌المللی را نیز خاطرنشان کرده و در نهایت، تصمیم نهایی را بر عهده مردم فلسطین گذاشته است که آیا می‌خواهند این طرح را اجرایی کنند یا نه؟

جنبش حماس از همان دور اول مذاکرات راهبرد «بله، اما» را در مذاکرات دنبال کرده است، به این معنا که هم با طرح‌ها موافقت می‌کند و هم نظرات خود را مطرح می‌سازد و ایران هم در این مورد همان استراتژی و رویکرد را دنبال می‌کند. ایران به‌دلیل آن‌که می‌داند برخی از موارد این طرح واقعاً قابل اجرا نیست، موضوع را به حماس، مردم غزه و به‌طور مشخص گروه‌های مقاومت فلسطین واگذار کرده است.

در نهایت می‌توان گفت واکنش ایران نسبت به این طرح، یک واکنش معقول، سازنده و با رویکردی مثبت برای پایان دادن به آلام مردم غزه و تأکید بر مسئولیت‌پذیری دولت‌هاست؛ تا اسرائیل با متوجه تعهدات و مسئولیت‌های خود کند. به عقیده من و بسیاری از تحلیلگران، تمام هم‌وغم آمریکا و اسرائیل در درجه اول این است که اهرم یا کارت اسرائیلی که در دست حماس است را بسوزانند و آن را از اختیارش خارج کنند. بنابراین، تمام تمرکز آن‌ها بر این است که ابتدا این اسرا را آزاد کنند و پس از آن است که در حقیقت مسئولیت‌های آمریکا و اسرائیل آغاز می‌شود.

از سوی دیگر، حماس با رویکردی مثبت، همان سیاست «بله، اما» را دنبال می‌کند. در مقابل، ترامپ نیز در مکالمه تلفنی خود با نتانیاهو به‌صراحت گفته است: «این یک پیروزی است، بگیر!» یعنی استراتژی ترامپ فعلاً «بگیر» است؛ به تعبیر دیگر، «نقد را بگیر و نسیه را رها کن». به همین دلیل و در همین نقطه است که حساسیت ایران البته خود حماس پراگتیخته می‌شود، زیرا این پرسش مطرح است که اگر اکنون این امتیاز را بدهند، بعداً در ازای آن چه خواهند گرفت؟

بسیاری معتقدند که پس از آزادی اسرا، چه بسا اسرائیل بمباران‌ها را شدیدتر آغاز کند؛ چراکه با توجه به وضعیت فعلی و دست‌باز اسرائیل، که عملاً هیچ عامل بازدارنده‌ای در برابر آن وجود ندارد. این ابهام و تردید نسبت به پایبندی آمریکا و اسرائیل به تعهداتشان همچنان یک

تأمین کاغذ به خوبی صورت نگرفته است

مطبوعات در بن‌بست

کمبود کاغذ وجهش قیمت ارز

صفحه ۶



ژیوبین صفاری

سرمقاله



جرأت ورزی، پیش‌شرط اصلاحات اساسی اقتصادی

حذف چهار صفر از پول ملی، از همان روزی که نخستین بار در محافل کارشناسی مطرح شد تا هنگامی که بالاخره روی کاغذ قانون نشست، به مصداق عمل زیبایی بی‌فایده در اقتصاد ایران تشبیه شد؛ یک حرکت نمادین که نه تورم را مهار می‌کرد و نه به‌تنهایی بر سفره مردم رنگی می‌افزود. با این همه، همین تصمیم کوچک شکلی نزدیک به دو دهه در رفت‌وبرگشت میان دولت‌ها و مجلس‌ها معطل ماند؛ گویی اقتصاد ایران برای همین «تغییر ظاهری کم‌هزینه» نیز باید آزمون جسارت پس می‌داد. این تجربه به‌خوبی نشان می‌دهد که مسأله اصلی ما نه کمبود ایده، بلکه کمبود جرأت در اجرای ایده‌های بزرگ‌تر است؛ همان اصلاحات ساختاری‌ای که سال‌ها پشت درهای سیاست مانده‌اند.

وقتی از اصلاحات ساختاری سخن می‌گوییم، از مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته حرف می‌زنیم که ریشه در بنای بودجه، نظام مالیاتی، بانکداری، یارانه‌های پنهان، قیمت‌گذاری انرژی، صندوق‌های بازنشستگی و حتی شیوه اداره بنگاه‌های دولتی دارد. هرکدام از این حوزه‌ها به تنهایی می‌تواند شک تورم یا شوک سیاسی ایجاد کند؛ اما درست به همین دلیل، تک‌تک آن‌ها باید در قالب یک بسته منسجم و با شجاعت سیاست‌گذار پیش بروند تا منافع کوتاه‌مدت گروه‌های ذی‌نفع بر مصالح بلندمدت اقتصاد چیره نشود. تجربه کشورهای گرفتار آبرتورم نشان داده است که اگر دولت‌ها جسارت حذف یارانه‌های کور، واقعی‌سازی نرخ ارز و بازطراحی مالیات بر مصرف و ثروت را با هم نداشته باشند، اقتصاد هر روز دریغ از دیروز می‌شود و رفاه همگانی در باتلاق بی‌ثباتی فرومی‌رود.

ادامه در صفحه ۲

سناریوی غالب است.امریکا موضوع صرفاً به ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی، عربی و فلسطینی نیز نسبت به این امر هشدار داده‌اند. لذا به نظرم بهتر است ایران حول این دغدغه یک اقدام دیپلماتیک در همکاری با وزرای خارجه عربی، اسلامی در قالب دو و چند جانبه اجرا کند تا موضع حماس در گرفتن تضمین تقویت شود.

طرح صلح ترامپ برای اجرایی شدن به چه پیش زمینه هایی نیاز دارد؟

این طرح واقعاً یک طرح منسجم نیست که درباره آن یک موضع واحد وجود داشته باشد؛ به این معنا که نمی‌توان گفت این طرح خوب است یا بد. این طرح بخش‌های مختلفی دارد، بخشی از آن برگرفته از تجربه آمریکا در سال ۲۰۰۳ که عراق است که «پل برم» را به عنوان یک حاکم آمریکایی در بغداد منصوب کرد. که تبعات منفی خود را دارد.

از سوی دیگر هم صورت‌جلسات مذاکراتی بی‌نتیجه میان حماس و اسرائیل هم با آن ادغام و در نهایت این طرح ۲۰ ماده‌ای با آرزوهای ترامپی و مطامع کوشنری، تدوین شده است. بخش‌هایی از این طرح که بر پایان یافتن جنگ تأکید دارد مورد پذیرش و استقبال حماس و ایران قرار گرفته است، البته حماس اسلحه و پذیرش این جنگ بود و آزادی اسرا را منوط به پایان جنگ می‌کرد، در حالی که مثلاً اسرائیل خواهان آتش‌بس بود و همین موضوع باعث می‌شد که مذاکرات به نتیجه نرسد. خاتمه جنایات، مانند تحویل اسلحه و پذیرش بین‌سیستم مثلا بین‌المللی برای اداره غزه. حماس اداره غزه را بدون نیروی فلسطینی نمی‌پذیرد و بنابراین ضمن بذersh نکات مثبت در مرحله اول که ترامپ آن‌ها را مثبت نشان داد و یک پیروزی معرفی کرد؛ در مرحله بعد اعلام کرده که درباره موارد ذکر شده باید مذاکره صورت گیرد.

به عقیده من، ما یک فرایند طولانی، نامشخص و مبهم در پیش رو داریم. حتی اگر یک تضمین قطعی بین‌المللی از سوی میانجیگرانی مانند قطر و مصر داده شود که اسرائیل و آمریکا به تعهدات خود عمل می‌کنند، باز هم عواملی مانند مسئله سلاح و اسرا وجود دارد؛ زیرا حماس می‌داند این آخرین زمینه‌هایی است که در دست دارد و نمی‌تواند به‌راحتی از آن‌ها بگذرد و تا زمانی که تضمین بین‌المللی به دست نیابد، به‌راحتی قبول نخواهد کرد و این طرح و مذاکرات هم به‌سرانجام نخواهد رسید.

بنابراین اولین زمینه، نیاز به یک تضمین و تعهد محکم بین‌المللی و منطقه‌ای از سوی میانجیگران و کشورهای است که اکنون نقش دارند، تا این تضمین را بدهند که اگر موافقت‌نامه‌ای هم به امضا برسد، واقعا به آن پایبند باشند و آن را اجرا کنند؛ شاید من کمی در این زمینه بدبین هستم.